

تحلیل گفتمان انتقادی سیاست‌های رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی (مطالعه موردی: برنامه «صفحه ۲ آخر هفته»)

سینا تفنگ‌چی^۱/هاجر کاظمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: اسفند ۹۵ تاریخ پذیرش نهایی: فروردین ۹۶

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل شگردهای گفتمانی مورد استفاده در برنامه «صفحه ۲ آخر هفته» پخش شده از شبکه بی‌بی‌سی فارسی در سال‌های ۹۴ و ۹۵ هست. تلاش بر آن بوده تا ابتدا با استفاده از تکنیک‌ها و مقوله‌های گفتمانی، شگردهای گفتمانی برنامه را شناسایی و سپس با بهره از روش تحلیل گفتمان انتقادی این برنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که برنامه مذکور از شگردهای تخصصی گفتمانی بین مهمانان برنامه، طرد گفتمان‌های مختلف، مانند اسلام سیاسی و ایجاد معانی تثبیت شده توسط گفتمان القایی و تبلیغاتی، سود جسته است. همچنین بی‌بی‌سی فارسی در قالب این برنامه‌ی گفتگو محور با استفاده از ساختارهای تعارض، گره‌افکنی و طرح ناسازدهای گفتمانی، درصدد بر ساختن چهارچوب‌های معنایی برای مخاطبان خود است. مانند غیردموکراتیک بودن و جدایی اسلامیت از جمهوریت و همچنین در تلاش است بسیاری از معانی تثبیت شده در ذهن مخاطبان خود را به پرسش بکشد که در نهایت امر به موفقیت سیاست‌های کلان برنامه، شبکه و پرکردن بخشی از پازل دیپلماسی رسانه‌ای بریتانیا برای ایران می‌انجامد.

واژگان کلیدی: صفحه ۲ آخر هفته، اسلام سیاسی، بی‌بی‌سی فارسی، تحلیل گفتمان انتقادی، دیپلماسی رسانه‌ای.

۱- دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران، مدرس علوم ارتباطات دانشگاه پیام نور واحد دماوند (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: prsina@chmail.ir
۲- کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران

مقدمه

انسان‌ها در دوران متمدنی همیشه برای رسیدن به اهداف خود از روش‌های گوناگونی استفاده کرده‌اند. یکی از روش‌هایی که انسان‌ها بسیار در پی به‌کارگیری آن بوده‌اند ابزار گفتمان است.

در جهان ارتباطات و اطلاعات امروز مواجهه‌ی مخاطبان رسانه‌ها با رویدادهای مختلف، مواجهه‌ی بلافصل نیست بلکه مواجهه از طریق بازنمایی رسانه‌هاست. در واقع مخاطبان امروزه در معرض رسانه‌های متعددی قرار دارند که برای آگاهی از رویدادها از میان روایت‌هایی ارائه‌شده، یک یا چند روایت یا بخش‌هایی از آن‌ها را برمی‌گزینند. اما این روایت‌ها، تحت تأثیر گفتمان‌های مختلف قرار می‌گیرند. در این راستا دولت‌ها سعی دارند بازنمایی رسانه‌ها از رویدادها به معنای مورد نظر آن‌ها نزدیک‌تر باشد، چرا که در صورت پذیرش این معنا از سوی مخاطبان، به حمایت افکار عمومی از گفتمان مورد حمایت دولت و در نهایت سیاست دولت منتهی می‌شود.

در عصر کنونی یکی از رسانه‌ها یا مדיاهای مورد توجه مردم دنیا تلویزیون‌های ماهواره‌ای هستند که تأثیر به‌سزایی در تثبیت معانی در ذهن افکار عمومی جهان دارند، همچنین ماهواره‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، در رفتار افراد و تغییر افکار و رفتار اجتماعی آنان، نقش مهمی را ایفا می‌کند، بیشتر این تلویزیون‌ها به دلیل تأثیر بر افکار عمومی و دادن چهارچوب فکری به مخاطبین خود، از طریق گفتمان‌های مختلف، بازنمایی وقایع و به‌کارگیری عملیات روانی در برنامه‌ها، سعی بر القای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کشور خود دارند و این‌گونه از طریق دیپلماسی رسانه‌ای بر فضای سیاسی جهان تأثیرگذار هستند.

رسانه‌های غربی نیز در حوزه‌ی سیاسی با استفاده از شیوه‌ها و تاکتیک‌های گفتمانی به صورتی کاملاً حرفه‌ای، هجمه تبلیغاتی وسیعی را علیه جمهوری اسلامی آغاز کرده و با ارائه شیوه نوین دیپلماسی رسانه‌ای، مجموعه برنامه‌های مختلف به شکلی کاملاً

دقیق و مهندسی پیام شده، تلاش کردند تا با تغییر نگرش افکار عمومی به‌ویژه نسل جوان و تفرقه بین تابعیت‌های مختلف اهداف مورد نظر خود را القا کنند. در این پژوهش تلاش بر آن است تا با بررسی عملکرد یکی از برنامه‌های رسانه‌های پیش‌تاز در این جبهه، هم‌چون بی‌بی‌سی فارسی تشریح نموده و از سوی دیگر گفتمان آنان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم.

بیان مسئله

یکی از شبکه‌های تلویزیونی جهانی، شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی و یکی از برنامه‌های ثابت و اصلی آن، «صفحه ۲» است که در قالب گفت‌وگو تلویزیونی با حداقل دو کارشناس و صاحب‌نظر به صورت حضوری یا ویدیو کنفرانس، برای مباحثه و اظهار نظر پیرامون موضوعات مختلف سیاسی و اجتماعی در روزهای سه‌شنبه‌ها ساعت ۲۳ به وقت تهران پخش می‌شود این برنامه یک ویژه برنامه دارد به نام «صفحه ۲ آخر هفته» که جمعه‌ها ساعت ۱۸:۳۰ به وقت تهران به روی آنتن می‌رود. این ویژه برنامه به یمن توانایی و تسلط مجری (مهدی پرپنچی) برنامه و ورود به مسائل مختلف سیاسی-اجتماعی و طرح مسئله با ارائه گزارشی در ابتدای گفت‌وگو و سپس طرح دیدگاه‌های متفاوت توسط چهره‌های گوناگون و زمان پخش مناسب در روز تعطیل، توانسته است توجه بخش زیادی از علاقه‌مندان به مباحث و موضوعات چالش‌برانگیز سیاسی-اجتماعی را به خود جلب کند و بسیاری از معانی تثبیت‌شده در ذهن مخاطبان خود را به پرسش بکشد.

یکی از ویژگی‌های این برنامه که با دعوت از کارشناسان به تجزیه و تحلیل رویدادهای روز سیاسی از ابعاد مختلف می‌پردازد، گفت‌وگو و مباحثه‌ای بودن آن است. بی‌بی‌سی در قالب این برنامه با استفاده از ساختارهای تعارض، گره‌افکنی و طرح ناسازهای گفتمانی، درصدد برساختن چهارچوب‌های معنایی برای مخاطبان خود است.

بی‌بی‌سی با اجرا و پخش برنامه‌های گفت‌وگو محور چون «صفحه ۲» تلاش دارد به بینندگان خود وانمود

چارچوب سازی

چارچوب سازی یک نظریه ارتباطی و جامعه‌شناسی است. چارچوب سازی فرایند کنترل انتخابی محتوای رسانه توسط دست‌اندرکاران رسانه‌ای است. این نظریه می‌گوید چگونه بخش خاصی از محتوای رسانه یا معانی بیان حاصل از آن در یک قالب و بسته‌بندی ارائه می‌شود به گونه‌ای که امکان تعبیر و تفاسیر مطلوب، معین و مشخص را فراهم و تعابیر دیگر را حذف می‌کند. چارچوب سازی به رابطه میان متن و اطلاعات به گونه‌ای که معنی خاصی را به ذهن متبادر سازد، اشاره دارد. بنابراین، این نظریه بر اطلاعات سازمان یافته‌ای تأکید دارد که بر محور خاصی استوار است. چارچوب‌ها یا قالب‌های رسانه‌ای می‌تواند یا به وسیله خود رسانه‌های جمعی یا به وسیله سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی یا سیاسی ویژه‌ای خلق شوند.

چارچوب سازی بر توجه مردم به یک حوزه از معنی متمرکز است. «دانیل کانمن» برنده جایزه نوبل ۲۰۰۲ و همکارش «آموس تی ورسکی» نخستین پایه‌گذاران نظریه چارچوب سازی در سال ۱۹۷۹ هستند. چارچوب سازی مبتنی بر این فرض است که نحوه‌ی توصیف یک موضوع بر چگونگی درک آن موضوع توسط مخاطب، تأثیر می‌گذارد. بنابراین، کار رسانه‌ها تنها انتخاب رویدادها و موضوعات از میان موضوعات و رویدادهای زیاد نیست، بلکه معنی دادن به آن است.

گفتمان

گفتمان عبارت از «ابزار ساخت اجتماعی واقعیت» است. به عبارتی، گفتمان جهان اجتماعی را در قالب معنا بازسازی می‌کند، بنابراین نسبت دادن معنا به پدیده‌ها در چارچوب گفتمان‌ها، موجب بازسازی و تغییر جهان می‌شود.

گفتمان قلمروی است که مجموعه‌ای از دال در آن به صورت شبکه‌ای درمی‌آید و معنایشان در آنجا تثبیت می‌شود. این تثبیت موقت معنا، موفقیت یک نظام بازنمایی در حمل معنای مورد نظر و طرد معنا یا معناهای بالقوه و جایگزین است.

کند که نوعی «حوزه عمومی» است که در آن امکان گفتگو و نقد خردمندانه برای همه سنت‌های فکری به صورت برابر فراهم است و همه گفتمان‌ها و نظام‌های معنایی، به این تریبون دسترسی دارند. حال اینکه در ویژه‌برنامه «صفحه ۲» به نام «صفحه ۲ آخر هفته» چه شاکله گفتاری و نظام معناییه کاررفته است؟ در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد و نوشتار حاضر با روش توصیفی- تحلیلی گفتمان انتقادی بر آن است که از طریق به دست آوردن ناسازه‌ی گفتمانی این مستند به تحلیل محتوای آن بپردازد به این سؤال مهم پاسخ دهد که اساساً نظام گفتاری و چارچوب‌های معنایی ویژه‌برنامه «صفحه ۲» به نام «صفحه ۲ آخر هفته» تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی چیست؟ و با چه هدفی این موارد به کار برده شده است؟

چارچوب نظری

چارچوب مفهومی و نظری، اشاره به نظریه‌هایی است که به «نحوه‌ی برساخته شدن دانش و معنا» می‌پردازد. در این خصوص رویکرد برساخت‌گرایی و به تبع آن، نظریه‌ها و مفاهیم «چارچوب‌سازی» و «گفتمان» برای رویه‌های برساخته شدن واقعیت و خلق معنا و نیز نقش رسانه‌ها در چارچوب سازی و تولید و توزیع معانی و گفتمان‌ها مدنظر قرار می‌گیرد.

برساخت‌گرایی اجتماعی

در تحلیل گفتمان، نظریه و روش به یکدیگر پیوند خورده‌اند و محقق برای استفاده از تحلیل گفتمان به عنوان روش مطالعه، باید به پیش‌فرض‌های نظری آن بپردازد. یکی از پیش‌فرض نظری تحلیل گفتمان انتقادی برساخت‌گرایی اجتماعی است. برساخت‌گرایی اجتماعی در واقع یعنی «ساخت اجتماعی واقعیت» که به ساخت جمعی دیدگاه‌هایی اشاره می‌کند که افراد همواره در تعامل با جامعه آن را می‌سازند.

گافمن (۱۹۷۴) چارچوب را به عنوان «طرح کلی تفسیر» تعریف می‌کند که افراد را قادر می‌سازد تا رویدادها یا اطلاعات را درک، شناسایی و نام‌گذاری کنند.

به لحاظ انتخاب تعداد نمونه در تحلیل گفتمان انتقادیباید گفت، نمونه‌گیری برای تحلیل کیفی و گفتمانی نیازمند فرمول نیست. بر این اساس، تعداد چهار موضوع از سه برنامه «صفحه ۲ آخر هفته» تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی با درون‌مایه‌های سیاسی و معرفتی که در تنش و تعارض با نظام معنایی دینی و گفتاری جمهوری اسلامی است، انتخاب و تحلیل می‌شوند. عناوین این برنامه‌ها عبارت‌اند از: ۱. «تغییر لحن رهبر ایران» ۲. «تنش ایران و عربستان» ۳. بخش اول: «آینده دخالت ایران در سوریه»، بخش دوم: «عدم همکاری بانک‌های جهانی با بانک‌های ایرانی».

مقوله سازی و تعریف مقوله‌ها

یکی از مراحل اساسی در تحلیل کیفی و گفتمانی، عملیاتی کردن مباحث نظری یا به عبارتی تعیین مقوله‌ها برای تحلیل متن است.

مقوله‌های استفاده‌شده که برای تحلیل انتقادی گفتمان برنامه «صفحه ۲ آخر هفته» تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به کار گرفته شدند، عبارت‌اند از: «واژگان»، «گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)»، «گره‌گاه (دال اصلی)»، «مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم‌ارزی)»، «نظم گفتمانی (تخاصم و تعارض)»، «نشانه‌های نسبتاً تثبیت شده (معنای مورد توافق)»، «میدان گفتمان (گفتمان‌های طرد شده)».

واژگان

واژگان نقش بسیار مهمی در گفتمان دارند. واژگانی که یک گوینده و نویسنده به کار می‌برد دقیقاً با قدرت و موقعیت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی او یا به عبارت دقیق‌تر با وزن اجتماعی او سنجیده می‌شود.

گونه‌های مختلف گفتمان بسته به موضوع و هدف با انواع واژگان خاص تجانس دارند. واژگان انتخاب‌شده‌هیجان‌کننده‌ی ارزش‌ها و نرم‌ها هستند و برای قضاوت ارزشی استفاده می‌شوند.

گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

جملات کلیدی جان‌مایه‌های متن هستند و مواضع گوینده و نویسنده متن را به‌طور صریح با ضمنی درباره موضوع بیان می‌کنند. گوینده یا نویسنده بایان جملات

محتوای رسانه‌ها پدیده‌های پیچیده‌اند و از قابلیت سازماندهی «معنا» برخوردارند. شیوه‌ی اعمال قدرت رسانه‌ای به‌گونه‌ای است که برای گفتمان‌های خاص، اهمیت خاص قائل می‌شود و از وقایع جهان خارج فهم و درکی خاص تولید می‌کند. اعمال قدرت گفتمانی حاکی از شیوه‌ی عملی است که با آن، در مردم عادی یک احساس مشترک به وجود می‌آید.

رسانه‌ها به ساخته‌شدن «نظام‌های به یادآورنده‌ی تعاریف» کمک می‌کنند. بنابراین رسانه‌ها مکانیسم‌ها یا دستگاه‌هایی هستند که قدرت گفتمان از طریق آن‌ها اعمال می‌شود.

این تحقیق در چهارچوب روش کیفی و با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی انجام‌یافته است. این رویکرد درصدد فهم معانی ضمنی و نهفته متن و کشف رابطه زبان و قدرت در گفتار سیاسی و اجتماعی است. درواقع تحلیل گفتمان انتقادی غیرطبیعی بودن متن و بر ساخته بودن آن را افشا می‌کند.

گفتمان القایی و تبلیغاتی

یکی از اهداف دیپلماسی رسانه‌ای، ایجاد عملیات روانی فراملی – ایجاد تنفر و دشمنی نسبت به حاکمیت کشور مورد هدف، اعمال فشارهای سیاسی – فرهنگی علیه کشور هدف و ایجاد رغبت و علاقه در مخاطبان کشور مورد نظر است. رسانه‌ها سعی می‌کنند با اتخاذ گفتمان القایی، تبلیغاتی و همچنین با اتخاذ دیپلماسی رسانه‌ای، تکنیک‌ها و روش‌های خاص، به متقاعدسازی و ترغیب مخاطبان بپردازد. در این نوشتار، گفتمان‌های القایی و تبلیغاتی نیز در برنامه «صفحه ۲ آخر هفته» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق و جامعه نمونه

این تحقیق در چهارچوب روش کیفی و با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی انجام‌یافته است. این رویکرد درصدد فهم معانی ضمنی و نهفته متن و کشف رابطه زبان و قدرت در گفتار سیاسی و اجتماعی است. درواقع تحلیل گفتمان انتقادی غیرطبیعی بودن متن و بر ساخته بودن آن را افشا می‌کند.

کلیدی و مهم، موضع ایدئولوژیک و گفتمانی خود را معین و با گفتارهای رقیب، مرزبندی می‌کند.

گره‌گاه (دال اصلی)

گره‌گاه‌ها نشانه‌های متمایزی هستند که یک گفتمان حول آن‌ها سازمان پیدا می‌کند. به عبارتی، یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاصی شکل می‌گیرد. برای مثال، در گفتمان‌های پزشکی، «بدن» گره‌گاهی است که معانی بسیار دیگری حول آنها شکل می‌گیرند.

مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم‌ارزی)

منظور از مفصل‌بندی، قراردادن پدیده‌هایی در کنار یکدیگر است که به‌طور طبیعی در کنار هم قرار ندارند. مفصل‌بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه‌ی جدید، هویتی تازه پیدا می‌کنند. به بیان دیگر، مفصل‌بندی‌ها عبارت‌اند از مداخلات تصادفی در یک حوزه تصمیم‌ناپذیر.

نظم گفتمانی (تخاصم و تعارض)

نظم گفتمانی به دو یا چند گفتمان اشاره دارد که هر یک بر سر تثبیت خود در یک قلمرو واحد، با دیگران رقابت می‌کنند. به این ترتیب، نظم گفتمانی در عین حال اصطلاحی است برای اشاره به حوزه‌ی بالقوه یا بالفعل تعارض گفتمانی.

نشانه‌های نسبتاً تثبیت شده (معنای مورد توافق)

نشانه‌هایی که در گفتمان‌های رقیب بر سر معنای آن‌ها کشمکش وجود ندارد یا کمتر کشمکش وجود دارد و معنای مورد توافقی دارند. را نشانه‌های نسبتاً تثبیت شده می‌گویند.

میدان گفتمان (گفتمان‌های طرد شده)

کلیه حالت‌های ممکن را که گفتمان طرد می‌کند، میدان گفتمان می‌نامند. میدان گفتمان مخزنی است برای نگهداری «مازاد معانی» تولید شده به وسیله عمل مفصل‌بندی - یعنی طرد معنایی که هر نشانه در سایر گفتمان‌ها داشته است. هر گفتمان همواره بر اساس رابطه‌اش با آنچه طرد شده، یعنی رابطه با میدان گفتمان، ساخته می‌شود. بنابراین میدان گفتمان همه آن چیزهایی است که گفتمان طرد کرده است.

یافته‌ها

چهار موضوع بررسی شده در برنامه «صفحه ۲ آخر هفته»، پس از پیاده شدن و تنظیم، بر اساس مقوله‌های تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیل و سپس نقد و ارزیابی شد.

موضوع گفتگو: تغییر لحن رهبر ایران

پرسش اصلی برنامه: چرا لحن آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران در سخنرانش روز به روز تندتر می‌شود؟ تغییر لحن رهبر ایران نسبت به قوه مجریه چیست؟

نقطه نظرات مهمانان برنامه:

۱. احمد سلامتیان

۱.۱. واژگان و عبارات کلیدی

الف. مثبت: پیروزی انتخابات - هویت سیاسی - تعادل در حکومت

ب. منفی: لحن آمرانه - کثرت تند - اختلافات دوقوه - ناگزیری رهبر - وزن کثی سیاسی - تقابل سیاسی

۲.۱. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

کثرت تند لفظ و وسعت در زمینه‌های مختلف رهبر بیشتر شده است - اختلال در هماهنگی کشور در جریان انتخابات و برجام - بدنه‌ی انتخاباتی خود شریکی است در فصل الخطاب بودن - بالاخره یک نوع تعاملی بین بدنه‌ی جامعه و روسای حکومت به وجود می‌آید - پشت ذهن هر بازیگر سیاسی در انتخابات، جانشینی آقای خامنه‌ای هم مطرح است.

۳.۱. گره‌گاه (دال اصلی)

کثرت تقابل سیاسی - نفی رهبری و ولایت فقیه

۴.۱. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم‌ارزی)

ولایت فقیه با از خودبیگانگی و نفی پرسشگری و حکومت دینی با خودکامگی، قهقرا و استبداد هم‌ارز است.

۲. فرخ نگهدار

۱.۲. واژگان و عبارات کلیدی

الف. مثبت: روحیه‌ی پیروزمندانه - پیروزی در انتخابات و برجام - انتخابات ۷ اسفند

الف. مثبت: انتخابات چهارچوبی، رهبر هسته‌ی ایران، مجلس همسو با رهبر

ب. منفی: شکاف در نظام، تحولات جدی، غیر دموکراتیک، نداشتن پایه اجتماعی، ترمیم

۲.۳. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

آقای خامنه‌ای هسته‌ی جمهوری اسلامی است، پشت رهبری نیروهای اطلاعاتی وجود دارد، در اول انقلاب رهبر سرمایه اجتماعی داشت نه سپاه و نه اطلاعات داشت، آقای خامنه‌ای یک بروکراسی پیچیده‌ای نسبت به همه‌ی نهادها دارد. از طریق این بروکراسی است که قدرت خود را نگه داشته است.

۳.۳. گره‌گاه (دال اصلی)

غیر دموکراتیک، فروپاشی اصل ولایت فقیه

۴.۳. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم ارزی)

هم ارزی ولایت فقیه با سلطنت پادشاهی. هم ارزی حکومت دینی با استبداد دینی. هم ارزی جمهوری اسلامی ایران با حکومت غیردموکراتیک.

ب. منفی: تقابل بحران - آشفستگی - اختلافات دیدگاهی - کنترل نامحدود - اختلافات دو دستگاه اجرایی و رهبری - شکاف سیاسی

۲.۲. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

اختلافات بین دستگاه رهبری و دستگاه انتخاباتی در حال بارز شدن است - پایه اجتماعی در حال منبسط شدن است نه فروپاشی - موضع رهبر در برجام و انتخابات تضعیف شده است - در نهادهای مختلف تنش‌های مهمی وجود دارد.

۳.۲. گره‌گاه (دال اصلی)

تنش و بحران در دستگاه‌ها - تضعیف رهبری

۴.۲. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم ارزی)

اختلاف و تنش در دستگاه‌ها با تضعیف شدن موضع رهبری هم‌ارز است. اسلامیت با جمهوریت تعارض دارد.

۳. مهدی خلجی

۳.۱. واژگان و عبارات کلیدی

نظم گفتمانی (تخاصم و تعارض)

-تقابل دستگاه‌های رهبری و دستگاه‌های انتخابی (نگهدار)	-شکاف بین حکومت و جامعه (خلجی)
-نفی سنخیت اسلامیت با جمهوریت	-اشاره به نداشتن پایگاه اجتماعی رهبری
-موضع‌گیری‌های دستگاه‌های اجتماعی که توجه دارد به حساسیت اجتماعی	-خواسته‌های جامعه در مقابل خواسته‌های حکومت
-روند ولایت فقیه: تحلیل رفتن رهبر در منازعات چنانچه	-محبوبیت اجتماعی غیر از موفقیت سیاسی است در جامعه غیر دموکراتیک

شیخ نمر خواهد گرفت و عربستان می‌گوید: ایران بهتر است اول نگاهی به کارنامه‌ی اقدام‌های خود بیندازد و بعد از دیگران انتقاد کند. تنش بی‌سابقه در روابط دو کشور به کجا منتهی خواهد شد؟

نقطه نظرات مهمانان برنامه:

۱. حبیب حسینی فرد

۱.۱. واژگان و عبارات کلیدی

الف. مثبت: روابط دیپلماتیک - پیروزی سعودی‌ها - امنیت عربستان - عدم حل نظامی مسئله
ب. منفی: فشار سیاسی - تنش بین دو طرف - سرکوب شیعیان سعودی - مداخله در منطقه - جنگ فرقه‌ای

نشانه‌های نسبتاً تثبیت شده (معنای مورد توافق)

تغییر و شدید شدن لحن رهبری، تغییر سیاسی، تعارض دین و حکومت که باعث این تضادها شده است. غیردموکراتیک بودن حکومت ایران.

میدان گفتمان (گفتمان‌های طردشده)

گفتمان اسلام سیاسی و حکومت دینی، گفتمان مشروعیت حکومت در جامعه

موضوع گفت‌وگو: تنش بین ایران و عربستان
پرسش اصلی برنامه: رهبر ایران می‌گوید: انتقام الهی گریبان سیاستمداران سعودی به خاطر اعدام

۲.۱. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

در عرصه داخلی عربستان، کشاکش قدرت جریاندارد- مدیریت این‌گونه تنش‌ها در دست حاکمان است - مسائل منطقه باعث خشونت‌گری عربستان و اعدام شیخ نمر شده است - در منا دیدیم که دو کشور چه خوب باهم روابط دیپلماتیک داشتند - به رسمیت شناختن منافع بین دو طرف.

۳.۱. گره‌گاه (دال اصلی)

ایجاد روابط دیپلماتیک، تثبیت پیروزی عربستان، امنیت عربستان

۴.۱. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم‌ارزی)

اعدام شیخ نمر و امنیت عربستان هم‌ارز است. هم‌ارزی حضور ایران در کشورهای منطقه و علت خشونت‌گری عربستان. به رسمیت شناختن منافع دو طرف با تعریف منافع در تضاد است.

۲. حسن هاشمیان**۱.۲. واژگان و عبارات کلیدی**

الف. مثبت: کنش در روابط خارجی - قضاوت مردمی - سیاست نرم عربستان

ب. منفی: تنش شدید - فشار سیاسی - اعتراضات شدید - تندرهای ایران - ولایت‌فقیه شیخ نمر

۲.۲. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

با بالا گرفتن تنش بین ایران و عربستان همکاری عمان با عربستان در یمن بیشتر خواهد شد - ایران و عربستان همان دیدگاه‌های سابق خود را در مورد منطقه تکرار خواهند کرد - شیخ نمر قصد ولایت‌فقیه‌گری در عربستان داشته است - فرهنگ عمومی می‌تواند به از بین بردن این تنش‌ها کمک کند.

۳.۲. گره‌گاه (دال اصلی)

سیاست‌های نرم عربستان، ولایت‌فقیه‌گری شیخ نمر

۴.۲. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم‌ارزی)

هم‌ارزی شیعه بودن با اخلاص در کشور عربستان، هم‌ارزی ولایت‌فقیه‌گری و اعدام شیخ نمر، اقدامات اخیر عربستان با سیاست‌های نرم عربستان معارض است.

۳. علی معموری**۱.۳. واژگان و عبارات کلیدی**

الف. مثبت: رقابت اقتصادی - تنوع قدرت در منطقه - توافق دو طرف - رفتن به سمت عقلانیت

ب. منفی: تهدیدهای منفی - درگیری دینی - درگیری قومیتی - سنی در برابر شیعه - نبود رابطه بین دو ملت - تصاویر کلیشه‌ای ملت‌ها

۲.۳. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

از بین رفتن قدرت دوقطبیدرمنطقه و تدبیر جدید حکومت‌های مختلف در سازوکار قدرت در منطقه - این تنش یا جنگ یک جنگ فرسایشی برای هر دو طرف خواهد بود - تصویرهای منفی رایج بین دو طرف و **Social media** تنش را بیشتر می‌کند - شیخ نمر قصد ولایت‌فقیه‌گری نداشته است - عربستان نماد جهان عرب شده است.

۳.۳. گره‌گاه (دال اصلی)

جنگ فرسایشی، عربستان نماد جهان عرب، تصویرهای منفی

۴.۳. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم‌ارزی)

هم‌ارزی عربستان وهابی نماد جهان عرب با نماد جهان سنی. تصویرهای منفی در شبکه‌های اجتماعی با دیدگاه کل اجتماع هم‌ارز است. هم‌ارزی سیاست‌های ایران در قبال عربستان با فرقه‌گرایی.

نظم گفتمانی (تخاصم و تعارض)

-خشونت‌گری عربستان (حسینی‌فرد)	-سیاست‌های نرم عربستان (هاشمیان)	-جنبه ایدئولوژیک و فرقه‌گرایانه (معموری)
-احساس شکست در سوریه و یمن باعث خشونت‌گری و اعدام‌های عربستان شده است.	-تفاوت قائل نشدن عربستان در امور اجتماعی برای خانواده شیخ نمر با سایر شهروندان	-باید به کلیت موضوع و جنبه‌های مختلف آن به‌خصوص جنبه ایدئولوژیک نگاه کرد.
-کشاکش قدرت در عرصه داخلی عربستان	-روابط دیپلماتیک عربستان در این خصوص	-جنگ در زمینه‌های فرقه‌ای و ایدئولوژیک

تکفیرها و وهابیت با سنی‌ها هم‌ارز است. هم ارزی جنگ سوریه با جنگ سنی و شیعه. جدا کردن ملت ایران از ایدئولوژی حاکم بر ایران در تعارض است. هم ارزی هدف حضور ایران در سوریه با نگاه داشتن شخص اسد.

۲. محسن میلانی

۱.۲. واژگان و عبارات کلیدی

الف. مثبت: پیشرفت‌های ایران - قبول کردن حقیقت مخالفان - مذاکره - امنیت ایران
ب. منفی: حضور نظامی ایران در سوریه - کمک نظامی به حزب‌الله - وحشت ایران از شکست - حمله به اسرائیل - شکست عربستان در عراق - عدم ناتوانی حضور داعش در ایران

۲.۲. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

هیچ‌کس این جنگ را نمی‌برد - حضور ایران مستشاری است اما مستشاری که وارد جنگ شده است - داعش و القاعده می‌توانند کاری که با اروپا کرد با ایران هم انجام دهد اما نمی‌تواند باعث جنگ در ایران شود - هر کشوری در این جنگ حضور دارد برنامه خودش را دارد - راه حل سوریه، قبول کردن حقیقت طرف مقابل است.

۳.۲. گره‌گاه (دال اصلی)

حضور نظامی ایران. عدم مخاطره جدی داعش برای امنیت ایران. جنگ نیابتی. مشروعیت تکفیری‌ها

۴.۲. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم ارزی)

هم‌ارزی حضور ایران در سوریه با دخالت نظامی در منطقه. ایدئولوژی ایران در سوریه با ایدئولوژی گروه‌های تکفیری در سوریه هم‌ارز است. امنیت ایران با عدم مخاطره جدی تکفیری‌ها برای امنیت ایران در تعارض است.

۳. بهنام دارایی‌زاده

۱.۳. واژگان و عبارات کلیدی

نشانه‌های نسبتاً تثبیت شده (معنای مورد توافق)

مبانی چهارچوب روابط دو کشور متخاصم است، اندیشه و فلسفه‌ی سیاسی هر سه کارشناس در این زمینه، مدرنیته است.

میدان گفتمان (گفتمان‌های طردشده)

خسونت گری‌های عربستان علیه ملت ایران، مدارا کردن ایران در حوادث پیش‌آمده مانند منا، نقش مثبت ایران در روابط بین دو کشور

موضوع گفتگو: بخش اول: آینده دخالت ایران در

سوریه - بخش دوم: دلیل بی‌رغبتی بانک‌های

بین‌المللی به ارائه خدمات بانکی ایران

بخش اول: آینده دخالت ایران در سوریه

سؤال اصلی برنامه: چرا شمار کشته‌شدگان ایرانی در سوریه در ماه‌های اخیر رو به افزایش گذاشته است؟

نقطه نظرات مهمانان برنامه:

۱. رضا طاهری

۱.۱. واژگان و عبارات کلیدی

الف. مثبت: استراتژی - امنیت ایران - متحدشدن -

پاک کردن و حفظ یک منطقه

ب. منفی: نگاه داشتن اسد - احساسات ضد ایرانی -

احساسات ضد شیعه - جنگ شیعه و سنی در سوریه -

تلفات ایران در حال رشد

۲.۱. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

ایرانی‌ها توانستند منطقه رو بگیرند اما نتوانستند پاک و حفظ کنند - گرفتاری این جنگ این است که یک فرمانده مشترک ندارد - ایران در سوریه جنگ سنی و شیعه را به وجود آورده است - در این جنگ تلفات و هزینه‌های ایران در حال رشد است - در این جنگ ایدئولوژی حاکم بر ایران مهم است نه ایران بعنوان یک ملت.

۳.۱. گره‌گاه (دال اصلی)

ایدئولوژی حاکم بر ایران - جنگ سنی و شیعه -

تحلیل رفتن ایران در سوریه

۴.۱. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم ارزی)

– تیپ فاطمیون به لشکر فاطمیون ارتقاء پیدا کرد – سازماندهی اتباع خارجی توسط ایران در این جنگ.

۳.۳. گره‌گاه (دال اصلی)

جنگ نیابتی. حضور نظامی ایران و عدم رعایت حقوق بشر از سوی ایران

۳.۴. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم ارزی)

هم ارزی مستشاران ایرانی و مزدور جنگی. هم ارزی سازماندهی شیعیان علیه تکفیری‌ها با جرم جنگی. تعریف نقض حقوق بشر با حضور ایران در سوریه معارض است.

الف. مثبت: حقوق بشر – شورای امنیت – دیوان کیفری بین‌المللی

ب. منفی: جرائم جنگی – مجرم جنگی – مزدور جنگی – pmc (شرکت‌های نظامی خصوصی) – سازماندهی اتباع خارجی برای جنگ

۳.۲. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

ایران به این دلیل که مزدور جنگی شناخته نشود و شامل جرائم جنگی نشود، اصرار دارد که حضور مستشاری دارد – حضور نظامیان از آمریکای لاتین و pmc (شرکت‌های نظامی خصوصی) در این جنگ نیز شامل مزدوری است اما کار ایران بسیار وسیع‌تر است

نظم گفتمانی (تخاصم و تعارض)

عنوان حقوقی موضوع (دارایی‌زاده)	– خطر تکفیری‌ها برای امنیت ایران (میلانی)	– عدم خطر تکفیری‌ها برای امنیت ایران (طاهری)
– اشاره به مزدور بودن ایران در سوریه	– عربستان می‌تواند از طریق سوریه و بعد عراق برای ایران دزدساز شود	– اگر مسئله امنیت بود ایران باید با گروه‌های دیگر هم متحد می‌شد
– اشاره به مجرم بودن ایران در جنگ سوریه	– داعش و القاعده می‌توانند کاری که با اروپا کرد با ایران هم انجام دهد اما نمی‌تواند باعث جنگ در ایران شود	– مسئله ایدئولوژی حاکم بر ایران است نه ایران به‌عنوان ملت
– نقض حقوق بشر در روند جنگ سوریه	– راه حل سوریه، قبول کردن حقیقت طرف مقابل است	– اشاره به هدف ایران در نگه‌داشتن اسد

۱.۱. واژگان و عبارات کلیدی

الف. مثبت: تعلیق تحریم‌های هسته‌ای، صندوق‌های تضمینی، حقوق بشر

ب. منفی: بازگشت‌پذیری تحریم‌ها، تحریم‌های ثانویه، فساد اقتصادی ایران، پول‌شویی در خریدهای بین‌المللی، اقتصاد غیر شفاف، تروریست

۱.۲. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

امکان بازگشت‌پذیری تحریم‌ها – تعلیق تحریم‌ها فقط در حوزه‌بیرنامه‌ی هسته‌ای و تحریم‌های نظامی، حقوق بشر و تروریسم پابرجاست – تحریم‌های ثانویه برای اشخاص حقیقی و حقوقی ایران، همین باعث عدم روابط بانکی می‌شود – بانک‌های بین‌المللی از سمت آمریکایی‌ها تضمین کتبی می‌خواهند – ایران در دوران تحریم پول‌شویی انجام می‌دهد – ایران یکی از غیرشفاف‌ترین اقتصادها دنیا است.

۱.۳. گره‌گاه (دال اصلی)

نشانه‌های نسبتاً تثبیت شده (معنای مورد توافق)

جنگ سوریه جنگ نیابتی، شکست ایران در این جنگ، جنگ سنی و شیعه علیه هم، حضور مستقیم نظامی ایران در سوریه

میدان گفتمان (گفتمان‌های طردشده)

گفتمان روشنگری اسلامی، تفاوت ایدئولوژی شیعه و سنی با تکفیری‌ها، گفتمان جهاد اتباع خارجی در جنگ سوریه و اعتقادات مذهبی راسخ. گفتمان تفاوت اسلام ناب با اسلام تکفیری‌ها

بخش دوم: دلیل بی‌رغبتی بانک‌های بین‌المللی به ارائه خدمات بانکی ایران

سؤال اصلی برنامه: دلیل بی‌رغبتی بانک‌های بین‌المللی به ارائه خدمات بانکی ایران چیست؟

نقطه نظرات مهمانان برنامه:

۱. حسین رسام

عادی‌سازی نشود - آمریکایی‌ها با بالا بردن تحریم اقتصادی ایران را به پای مذاکره کشاند - ایران فکر می‌کرد آنچه آمریکایی‌ها وعده داده‌اند را به دست آورده‌اند - غیرقانونی بودن اقتصاد بسیاری از نهادها در ایران - نبود خواست سیاسی در هر دو طرف.

۳.۲. گره‌گاه (دال اصلی)

اقتصاد سیاسی، غیرقانونی بودن اقتصاد ایران، عدم شفافیت روابط اقتصادی

۴.۲. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم‌ارزی)

نهادهای اقتصادی ایران با غیرقانونی بودن هم‌ارز است. قدرت آمریکا در تحریم‌ها و مذاکره ایران هم‌ارز است. همکاری نکردن آمریکا با عامل اصلی خود ایران هم‌ارز است. کارشکنی آمریکا با تحریم‌های ثانویه دلیل همکاری نکردن در تعارض است.

تحریم‌های ثانویه، آمریکا مرکز اقتصاد جهان، اقتصاد فاسد ایران

۴.۱. مفصل‌بندی (زنجیره‌های هم‌ارزی)

تحریم‌های ایران و حق به جانب بودن آمریکا هم‌ارز است. دلیل اصلی تحریم‌ها با تحریم‌های ثانویه هم‌ارز است.

۲. رضا قریشی

۱.۲. واژگان و عبارات کلیدی

الف. مثبت: مذاکره - روابط اقتصادی - تعدد مرکز قدرت در آمریکا - شفاف‌سازی

ب. منفی: پول‌شویی - عدم شفافیت - تروریسم - غیرقانونی بودن اقتصاد ایران - محدود بودن دولت در ایران

۲.۲. گزاره‌های اصلی (جملات کلیدی)

این مشکل، سیاسی است - عدم شفاف‌سازی روابط اقتصادی - تحریم‌ها برای این است که ایران روابطش

نظم‌گفتمانی (تخاصم و تعارض)

- نبود شفافیت اقتصادی در ایران (حسین رسام)	- نبود شفافیت قانونی و تضمین قانونی از سوی آمریکا (رضا قریشی)
- دولت عملکرد مالی خود را نشان نمی‌دهد	- در آمریکا یک مرکز قدرت نیست (قوه‌مجریه، قوه مقننه...)
- عدم شفاف‌سازی ایران برای هویدا نشدن وضعیت بد بانک‌ها	- نبود خواست سیاسی از جانب هر دو طرف

یکی این که از چهره‌های مهم دانشگاهی و پژوهشی هستند و دوم این که از کارشناسانی که به طور مداوم در بخش تحلیلی خبرهای بی‌بی‌سی حضور دارند و به لحاظ حضور مداوم و فعالیت در شبکه، جزو کارشناسان و متخصصان هستند، استفاده می‌کند. از این رو مخاطب همواره به طرز تلویحی، علمی و تخصصی بودن برنامه را می‌پذیرد.

چارچوب سازی و بازنمایی: چارچوب سازی فرایند کنترل انتخابی محتوای رسانه توسط دست‌اندرکاران رسانه‌ای است. در این برنامه دیدیم که بخش خاصی از محتوای رسانه یا معانی بیان حاصل از آن در یک قالب و بسته‌بندی از سیاست و اجتماع ایران ارائه می‌شود به‌گونه‌ای که امکان تعبیر و تفسیر مطلوب، معین و مشخص را فراهم و تعبیر دیگر را از طریق طرد

نشانه‌های نسبتاً تثبیت شده (معنای مورد توافق)

پول‌شویی ایران در اقتصاد جهانی، عدم شفافیت، غیرقانونی بودن اقتصاد ایران.

میدان گفتمان (گفتمان‌های طردشده)

ناعادلان بودن تحریم‌ها، کارشکنی آمریکا در لغو تحریم‌ها

نتیجه‌گیری

در برنامه «صفحه ۲» با تکنیک اعتبار منبع و همچنین استفاده از اندیشمندان و محققان و کارشناسان صاحب نام و مشهور، به تحلیل مسائل روز و تولید برنامه‌ها می‌پردازد. در این برنامه مدعوین دو مشخصه دارند:

توانمند برنامه، سعی در انتقال پیام مورد نظر خود را که ناشی از سیاست‌های دیپلماسی رسانه‌ای بریتانیا برای ایران است، را دارد.

تحلیل گفتمان انتقادی: در برنامه «تغییر لحن رهبر ایران» تضعیف رهبری و نداشتن پایگاه اجتماعی رهبر زیرسؤال می‌رود، یا در برنامه «تنش ایران و عربستان» نقش مثبت ایران در روابط بین دو کشور هم نادیده انگاشته می‌شود و هم زیر سؤال می‌رود، در برنامه «آینده دخالت ایران در سوریه» نیز جنگیدن ایران در سوریه برای امنیت کشور زیرسؤال رفته و اعتقادات افراد مدافع را زیر سؤال می‌برد و سعی بر تغییر غیرمستقیم معنای تثبیت‌شده مدافعان حرم به حضور مزدوری این افراد در سوریه دارد، هم‌چنین می‌کوشد ادامه‌ی بحران در سوریه را به عهده‌ی دخالت ایران در سوریه بگذارد. در برنامه «عدم همکاری بانک‌های جهانی با بانک‌های ایرانی» سعی بر تثبیت معنای نقش منفی ایران در ایجاد تحریم‌ها و وضعیت روابط بانکی بین‌المللی دارد و می‌کوشد آمریکا را یک حق غیرقابل انکار نشان دهد که به دلیل پیروی نکردن ایران از این حق و قانون حال دچار این وضعیت شده، و به هیچ‌وجه در برنامه از کارشکنی‌های آمریکا علیه ایران حرفی به میان نمی‌آید.

مواضع گفتمانی برنامه‌های مورد بررسی شده «صفحه ۲ آخر هفته» این پژوهش نشان می‌دهد که اسلام سیاسی در این گفتگوها جایی ندارد و این گفتمان به منزله‌ی «دگر» و دشمن تعریف و طرد می‌شود، هم‌چنین اسلام سیاسی را با خشونت و تبعیض هم‌ارز می‌داند و درصدد برانگیختن مخاطب برای جدایی جمهوریت از اسلامیت است و به مخاطب این پیام را می‌دهد که این همه مشکلاتی که در ایران وجود دارد فقط و فقط به دلیل داشتن پسوند «اسلامی» در عنوان «جمهوری اسلامی ایران» است، حال آنکه تمام این مشکلات مطرح شده در جهان غرب نیز به شکلی دیگر وجود دارد، در اینجا است که بعد از تحلیل گفتمان انتقادی این برنامه به این روشنگری می‌رسیم که بی‌بی‌سی فارسی با چهارچوب‌بندی از وقایع و تلفیق آن

گفتمان‌های مثبت، حذف می‌کند. این برنامه با بهره‌گیری از رابطه میان متن و اطلاعات به‌گونه‌ای که معنی خاصی را به ذهن متبادر سازد. بنابراین، این برنامه اطلاعات سازمان‌یافته‌ای را که بر محور خاصی استوار است در چارچوب‌ها یا قالب‌های رسانه‌ای بازنمایی می‌کند.

این برنامه بر این دو نظریه استوار است، به نحوی که در تحلیل داده‌ها و مدل گفتگویی برنامه توضیح داده و واکاوی شد. این برنامه سعی در توصیف خاص یک موضوع و درک آن موضوع توسط مخاطب از معنای مورد نظر برنامه دارد.

گفتمان القایی و تبلیغاتی: در بررسی برنامه «صفحه

۲ آخر هفته» در تحلیل داده‌ها دیدیم که برنامه در صدد القا و تبلیغ سیاست‌های خود از طریق تکنیک‌های برجسته‌سازی: برجسته کردن افراد و یا موضوع‌های مورد نظر، وارانه‌نمایی، متهم سازی مسئولان نظام، زیرسؤال بردن عملکرد نظام، قطب بندی فضای سیاسی کشور، تفرقه‌افکنی و انزوای منطقه‌ای ایران به وسیله و بهره‌گیری از گروه‌های مرجع، اشاره به پیشینه رویدادها و یا فرایندمداری آن، است.

موضوع گفت‌وگوی چهار برنامه بررسی شده، هم مسئله داخلی «تغییر لحن رهبر ایران» و هم مسائل خارجی «تنش ایران و عربستان» «آینده دخالت ایران در سوریه»، «عدم همکاری بانک‌های جهانی با بانک‌های ایرانی» بود که بی‌بی‌سی فارسی در وجه کلان نسبت اسلام و سیاست را مورد بررسی قرار داد و کوششی کرد که معنای تثبیت‌شده در ذهن مخاطبان خود را به پرسش بکشد.

هر مخاطبی در نگاه ابتدایی به این برنامه‌ها - که نمونه‌های پژوهش حاضر هستند - معنای تثبیت شده در ذهنش زیر سؤال خواهد رفت. مهم‌ترین محورهای این برنامه‌ها عبارت‌اند از کاهش دادن موضوعات مختلف به سطح مشکلات داخلی و پاک کردن صورت مسئله در خصوص دخالت بیگانگان و تلاش در جهت غیردموکراتیک نشان دادن جمهوری اسلامی ایران است. در این برنامه با گره‌افکنی و ایجاد اختلاف نظر و تخاصم ملایم بین مهمانان برنامه توسط مجری

فهرست منابع

- بصیری، محمدعلی (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی گفتمان اسلامی در انقلاب ایران، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶.
- لورنزو- داس (۱۳۹۱). گفتمان تلویزیونی، ترجمه محمد شهباز، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۷). رسانه و بازنمایی، تهران. دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- مهدی زاده، سیدمحمد (۱۳۹۴). سکولاریزم و خشونت نمادین در گفتمان تلویزیونی، مطالعات فرهنگ- ارتباطات، سال شانزدهم، شماره سی و یکم.
- مهدی زاده، سیدمحمد؛ علی زاده، عبدالرحمان (۱۳۹۳). مقایسه بر ساخت رسانه‌های منازعه سوره در تلویزیونی صداوسیما ج.ا. و بی‌بی‌سی فارسی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۶۳
- محمدخانی ملکوه، محمد؛ فتحی، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی محتوای برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی، فصلنامه پژوهش فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۱۳.
- ون دایک نئون (۱۳۸۵). قدرت و رسانه‌های خبری، ترجمه مهدی شفقتی، انتشارات سروش.
- ون دایک نئون ای (۱۳۸۹). مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان کاوری انتقادی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ویلیامز، کوین (۱۳۸۶). درک تئوری رسانه‌ها، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران نشر ساقی
- یورگنسن، ماریان (۱۳۹۱). نظریه و روش تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی.

<https://www.youtube.com/playlist?list=PLmdEvtplre>
www.bbc.com/persian
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

با نظام‌های گفتمانی جنگ روانی سعی بر تثبیت پیام مورد نظر خود در مخاطب که همان رسیدن به جمهوری ایرانی است دارد همچنین این نوشتار مهر تأیید دوباره‌ای بر غیر بی‌طرف بودن بی‌بی‌سی فارسی است.

تحلیل گفتمان در این برنامه‌ها در قالب خطوط کلی سیاست‌هایی بی‌بی‌سی قابل توضیح است: بی‌بی‌سی فارسی در این‌گونه گفتگوها مدعی رعایت بی‌طرفی است اما در تحلیل‌های واژگان و جملات کلیدی دیدید که بیشتر حروف بار منفی داشت و سوگیری بارزی نسبت به موضوع مطرح شده داشتند. در صورتی که با دیدن یک‌بار این گفتگو این بار منفی را متوجه نمی‌شویم، و بی‌بی‌سی را یک رسانه کاملاً بی‌طرف می‌بینیم در حالی که در تحلیل گفتمان این گفت‌وگو به روشنی می‌توان این جهت‌گیری را در مدلی که از فرایند فضای سیاسی ایران ترسیم می‌کنند مشاهده کرد. با این وصف می‌توان گفت این بررسی مهر تأیید مجددی بر این ادعاست که تحلیل گفتمان برنامه‌های رسانه‌ای درمی‌یابیم که متأثر از سیاست‌های کلان و خط‌مشی‌های رسانه‌ای منتج از آنهاست.